

مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی؛ رویکرد عرفی و فرهنگی

علی مشهدی^{۱*}، سجاد محمدلو^۲

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق اسلام دانشگاه آتاتورک، ترکیه

پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۶

دریافت: ۹۳/۰۲/۲۸

چکیده

حق حریم خصوصی از جمله حقوق و آزادی‌هایی است که هدف آن همسو با حقوق بشر به دنبال حمایت از حقوق اشخاص و احترام به حقوق بنیادین بشر است. این حق در اسناد داخلی و بین‌المللی متعددی مورد شناسایی قرار گرفته است. در زمینه شناخت ابعاد این حق بررسی دو مسأله از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسأله اول قلمرو مفهومی حریم خصوصی است. این امر با توجه به ریشه‌دار بودن حریم خصوصی در فرهنگ جوامع، حالت‌های گوناگونی از جهت معنا به خود می‌گیرد و مفهوم آن از مطلق بودن، گرایش به سوی نسبییت پیدا می‌کند. مسأله دوم معیار حریم خصوصی است. در ادبیات حقوق بشری چند معیار برای درک هرچه بهتر حریم خصوصی قابل شناسایی است که این معیارها عبارتند از: «تفکیک»، «عرف»، «اراده اشخاص» و «دمکراسی». در این مقاله کوشش شده است این دو مسأله و ابعاد آن واکاوی شود. فرض بنیادین این مقاله بر این مبنا استوار است که حریم خصوصی مفهومی نسبی است که با توجه به فرهنگ و عرف جوامع مختلف تعریف می‌شود و این که هر شخص و ملت و کشوری با توجه به هنجارهای خود آن را تعریف کرده، به رسمیت می‌شناسد و بالطبع از آن حمایت می‌کند.

واژگان کلیدی: حق حریم خصوصی، حق خلوت، حق کنترل، فرهنگ، عرف.

Email: mashadiali@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

مرزهای حریم شخصی نامرئی است و به طور مستقیم به برداشتی که شخص در رابطه خود با دیگران دارد وابسته است. عملکردهای حریم شخصی، همان عملکردهای قلمروی است که در راستای حفظ زندگی خصوصی و نشان دادن صمیمیت به کسانی که شخص تمایل دارد با آنها ارتباط داشته باشد به کار می‌رود. حضور بدون اجازه دیگران در قلمرو شخصی موجب تجاوز به آزادی‌های اشخاص، افت توانایی و افزایش تحریک و به تبع آن کاهش احساس امنیت در آنها می‌شود [۱]؛ بنابراین مفهوم حریم خصوصی، مفهوم پیچیده و گسترده‌ای است که شامل تمامی انواع افکار و رفتارهای موجود در جوامع مختلف است [۲].

حریم خصوصیا می‌توان از بنیادی‌ترین حق‌های حقوق بشری تلقی کرد که با شخصیت انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد [۳]؛ «به طوری که تجاوز به حریم خصوصی، تجاوز به اشخاص است و احترام نگذاشتن به ارزش انسانی و شخصی به شمار می‌آید» [۴]. همچنین گذر زمان نیز از جمله عواملی است که در شکل‌دهی مفهوم حریم خصوصی نقش بسزایی ایفا می‌کند [۵]؛ به طوری که چه‌بسا مسائلی که در گذشته جزء حریم خصوصی نبوده، امروزه حریم خصوصی قلمداد می‌شود و بالعکس. مفهوم حریم خصوصی در هر کشوری با فرهنگ، اجتماع و اقتصاد [۶] و به‌ویژه نوع دمکراسی حاکم بر آن کشور در ارتباط است [۷]؛ «به این معنا که حریم خصوصی مفهومی نسبی است که از کشوری به کشور دیگر ممکن است متفاوت باشد» [۸]. مسأله اصلی این پژوهش در واقع واکاوی مفهوم و معیار شناسایی حق حریم خصوصی است که در ادامه به بررسی ابعاد مختلف این مسأله خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم حریم خصوصی در نظریه‌ها و دکترین حقوقی

اولین تعریفی که از سوی پژوهشگران حقوق برای حریم خصوصی مطرح شده، به حدودسال ۱۸۹۰ برمی‌گردد. دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به



نام‌های «ساموئل وارن»^۱ و «لوئیس براندریس»^۲ مفهوم حریم خصوصی را «حق اشخاص بر تنها بودن»^۳ تعریف کرده‌اند. ایشان چنین استدلال می‌کنند که حریم خصوصی بیش‌تر با نظام سیاسی حاکم در یک جامعه مرتبط است [۹]. آنان از حق خلوت به‌عنوان یک اصل نام می‌برند که نوشته‌ها، آثار معنوی، افکار و احساسات شخص را محافظت کرده، حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به اشخاص بشر اعطا می‌کند تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آن‌ها در این چارچوب مشخص و مصون از تعرض باقی بماند و مورد حمایت قانون واقع شود. آن‌ها همچنین نگران این هستند که مبدا این آزادی مهم در قوانین اساسی کشورها ذکر نشده، سبب سوءاستفاده‌های برخی اشخاص از جمله سیاسیون قرار گیرد [۱، ص ۳].

رابرت الیس اسمیت^۴، حریم خصوصی را «تمایل هریک از اشخاص به داشتن فضای فیزیکی که بتوانند در آن از مداخله، مزاحمت، اضطراب و آشفتگی یا پاسخگویی آزاد باشند و تلاش برای کنترل زمان و شیوه افشای اطلاعات شخصی درباره خود» تعریف کرده است [۱۰؛ ۱۱]. این بیان و تعریف از حریم خصوصی می‌تواند دربردارنده دو نکته باشد:

مزیت تعریف این است که ایشان داشتن حریم خصوصی برای اشخاص را یک حق می‌دانند؛ چرا که عبارت «تمایل و میل داشتن اشخاص» چنین مفهومی را می‌رساند؛ اما ایراد وارد بر این تعریف این است که ایشان تنها به یکی از مصادیق حریم خصوصی اشاره کرده‌اند که آن نیز محدوده فیزیکی یا حریم منزل یا مسکن است؛ در صورتی که حریم خصوصی دارای مصادیق دیگری غیر از حریم منزل و مسکن نیز می‌شود. جان لاک فیلسوف شهیر انگلیسی نوشته است: «هر انسانی در درون خود یک قلمرو شخصی دارد و هیچ کس غیر از خود شخص هیچ حقی برای ورود بر این قلمرو ندارد» [۱۲]. به گفته ادوارد بلوستین^۵: «حفاظت از حریم خصوصی حفظ منافع شخصیت

1. Samuel Warren
2. Louis Brandeis
3. right to be left alone
4. Robert A. Smite
5. Edward Bloustein

انسانی است که در نتیجه حفظ آن تمامیت و استقلال شخصی و حیثیت انسان‌ها حفظ می‌شود» [۱۳].

در قرن اخیر معانی مختلفی برای حریم خصوصی ارائه شده است:

«رونالد»^۱ پژوهشگر حوزه حریم خصوصی، حق حریم خصوصی و حق خلوت را اینگونه تعریف کرده است: «انتظار می‌رود که مضمون اطلاعات شخصی و محرمانه آشکار شده در یک مکان خصوصی، برای اشخاص ثالث افشا نشود، به طوری که در صورت افشای مضمون آن اطلاعات باعث شرمندگی، سرافکنندگی و جریحه‌دار شدن احساسات متعارف یک شخص می‌شود» [۱۴].

در تبیین نظر ایشان باید گفت: به نظر وی، مضمون اطلاعات زمانی مورد حمایت است و در حیطه حق خلوت جای می‌گیرد که اولاً در یک مکان خصوصی اظهار شده باشد و ثانیاً اطلاعات افشا شده از آن دسته اطلاعاتی باشد که افشای مضمون آن‌ها شرمندگی و سرافکنندگی احساسات متعارف یک شخص را به دنبال داشته باشد. پس اطلاعاتی که توسط خود شخص در یک مکان عمومی به صورت ارادی اظهار و آشکار شده باشند در حیطه حق خلوت قرار نمی‌گیرند و لذا مورد حمایت نخواهند بود.

پوند^۲ و فرند^۳ حق حریم خصوصی را محافظی که از شخصیت اشخاص و خود شخص حمایت می‌کند، تعریف کرده‌اند [۱۵؛ ۱۶]. برخی نیز بر این‌که حریم خصوصی بیانگر چارچوب و شکلی از استقلال و تمامیت موضوعات مربوط به شخص است، اصرار ورزیده‌اند [۱۷؛ ۱۸؛ ۱۹؛ ۲۰].

آقای پرنٹ^۴ با پیشنهادی که مطرح می‌کند به طور خاص حدود حریم خصوصی را مشخص می‌سازد: «حریم خصوصی در جایی است که کسی نسبت به حرمت نقض آن علم و آگاهی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، داشتن علم و آگاهی به غیر قانونی بودن تصرفات اشخاص درباره حریم خصوصی دیگران شرط متجاوز بودن به حساب می‌آید» [۲۱] در مقابل علم و آگاهی به غیر قانونی بودن، علم و آگاهی قانونی قرار

1. Ronald
2. Pound, R
3. Freund, P. A.
4. Parent, W. A.



دارد. ایشان اطلاع قانونی را علم و آگاهی می‌داند که به وسیله قدرت عمومی قابلیت دسترسی دارد؛ مانند اطلاعات دریافتی از شخص که در اخبار و روزنامه‌ها پخش و چاپ شده است یا پرونده‌های حقوقی و یا بیوگرافی منتشر شده و دیگر اسنادی که به وسیله قدرت عمومی قابلیت بازرسی و تفتیش را دارند.

البته ذکر این نکته در رابطه با حدود حریم خصوصی، ضروری است که تمام حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص به صورت یک امر مطلق و غیر قابل تحدید نیست، بلکه امری نسبی است؛ به این معنا که می‌توان آن‌ها را مقید و محدود ساخت [۲۲]. اما چنین محدودیت‌هایی مستلزم وجود شرایط اعمال آن‌هاست که در ذیل به برخی از این شروط اشاره می‌گردد:

۱. محدودیت‌ها باید منطبق با قانون باشد.

۲. باید از هدفی مشروع برخوردار باشند.

۳. در یک جامعه دمکراتیک، حقوق بشر باید محدود و مقید شود [۲۳؛ ۲۴].

آقای آدام مور^۱ در مقاله «مفهوم و معیار حریم خصوصی»، حریم خصوصی را به معنای حق کنترل بر امور شخصی دیگران تعریف کرده است [۲۵]. منظور ایشان از حق کنترل یعنی حق کنترل بر خود و اطلاعات مربوط به خود [۲۶؛ ۲۷؛ ۲۸؛ ۲۹؛ ۳۰]. در این باره ریچارد پارکر^۲ نوشته است: «حریم خصوصی به معنای کنترل کردن بخش‌های مختلف بدن یک شخص در هر زمان به وسیله هر شخصی که قابلیت حس و شناسایی دارد، است» [۳۰، ص ۲۸۰]. عبارت «قابلیت محسوس بودن»^۳ به معنای «به سادگی دیده شدن، شنیدن، لمس کردن، بویدن و یا مزه کردن» است. همچنین منظور از عبارت «بخش‌های مختلف بدن یک شخص» بخش‌هایی از بدن یک شخص، صدا و هر چیزی است که مربوط به بدن باشد [۳۰، ص ۲۸۱].

1. Adam Moore

2. Richard Parker

3. Privacy is control over when and by whom the various parts of us can be sensed by others».

2. sensed

3. RathGivson

از جمله ویژگی چنین مفهومی این است که می‌توان بسیاری از معانی از پیشگفته شده را در هم ادغام کرد. توسعه هرچه بیشتر شخص نسبت به مراقبت از فضای خصوصی خود بیش‌تر به نفع خود او است؛ به عبارت دیگر، هرچه کنترل شخص بر حریم خصوصی خودش که فی‌نفسه از قبل، تعریف و معین شده، دقیق‌تر باشد، این کنترل به معنای توسعه حمایت از حرمت نقض محدوده و فضای شخصی خود شخص است تا این‌که کسی فکر تجاوز و خدشه وارد کردن به حریم خصوصی شخصی دیگری را نداشته باشد [۲۵، ص ۲۱۶].

آقای بایگاریو در چهار روش متمایز، مفهوم حریم خصوصی را بیان می‌کند: اولین روش، اشخاصی هستند که حریم خصوصی را به دور از مداخله دیگران تعریف می‌کنند. آقایان وارن و براندیس از این روش تأثیر پذیرفته‌اند. مفهومی که این دو نفر از حریم خصوصی ارائه می‌دهند، حق حریم خصوصی را همانند بخش و جزئی از «حق خلوت و تنهایی» و «قوانین موجودی که سعی در حفظ و مصون ماندن حریم خصوصی اشخاص از تجاوز دیگر اشخاص یا مطبوعات دارند»، تعریف می‌کنند [۳۱]. در دومین روش، مفهوم حریم خصوصی، میزان دسترسی به شخص تعریف شده است؛ یعنی حدود و ثغور حریم خصوصی اشخاص را تعیین می‌کند. از جمله طرفداران این روش، آقای راث گیوسون^۲ است که مفهوم و میزان حریم خصوصی را در سه بُعد بیان کرده است:

بُعد اول، «محرمانه بودن»^۱: به معنای داشتن مجموعه‌ای از اطلاعات درباره یک شخص. هنگامی که شخص نتواند مخابره اطلاعات راجع به خویش یا استفاده از آن اطلاعات را که در عرصه عمومی قابل دسترسی نیست کنترل کند، در حقیقت به محرمانگی اطلاعات وی خدشه وارد شده است و لذا نقض حریم خصوصی محقق شده است.

بُعد دوم، «خلوت و تنهایی»^۲: به معنای میزان دسترسی فیزیکی به یک شخص. اگر دیگران دسترسی فیزیکی به شخص داشته باشند وی حریم خصوصی خود را از دست

1. secrecy
2. solitude



خواهد داد؛ زیرا دسترسی فیزیکی نه تنها دیگران را قادر می‌سازد اطلاعاتی درباره او به دست آورند، بلکه حوزه تنهایی مکانی او را نیز کاهش می‌دهد. بُعد سوم، «گمنامی یا بی‌نامی»^۱: میزان توجه به یک شخص؛ یعنی اشخاص هنگامی که در کانون توجه قرار می‌گیرند حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند. با توجه به این تقسیم‌بندی که آقای گیوسون در رابطه با تعریف حریم خصوصی انجام داده، می‌توان گفت که مفهومی بی‌طرفانه و ابزاری از حریم خصوصی ارائه می‌دهد [۳۶، ص ۸].

سومین روش از چهار روش آقای «بایگریو» این است که حریم خصوصی به معنای «کنترل اطلاعات» دانسته شود. وستین^۲، فرید^۳، راجلز^۴ و همچنین لسیق^۵ از این روش بهره جسته‌اند. وستین نقض حریم خصوصی را به‌عنوان «یک ابزار ملاحظه می‌کند که متجاوز را در فهم اهداف اشخاص کمک می‌کند» [۳۲]. در واقع منظور ایشان همان نقض حریم خصوصی ذهن است؛ یعنی آنچه در اذهان اشخاص قرار دارد و از افشای آن‌ها متضرر می‌گردد. منظور از عبارت «کنترل» در معنای سوم، یعنی آن میزانی که اشخاص نسبت به اطلاعات خود احاطه و تصرف دارند [۳۳]. یا توانایی کنترل کسی که به اطلاعات شخصی دسترسی دارد [۳۳، ص ۴۲۳].

در چهارمین روش، آقای بایگریو حریم خصوصی را «اطلاعات مربوط به امور سری و محرمانه و حساس اشخاص» تعریف می‌کند. خانم جولی لنس^۶ از جمله طرفداران این روش معنایی است. ایشان در توضیح این تعریف می‌نویسد: «حالت احاطه و کنترل بر قلمرو تصمیمات محرمانه که شامل تصمیمات درباره دسترسی به امور سری، اطلاعات و اعمال محرمانه است. این نوع از حریم خصوصی می‌تواند آزادی بیان اشخاص را توسعه دهد».

1. anonymity
2. Westin
3. Fried
4. Rachels
5. Lessig
6. Julie Lnness

عده‌ای دیگر از پژوهشگران به دنبال ارائه معنایی از حریم خصوصی هستند تا به کمک آن، حاکمیت شخص بر احساسات، روان و افکارش به رسمیت شناخته شود و قانونگذار را وادار به حمایت از اشخاص در برابر تعرض‌های روانی، احساسی و افکاری کنند. این پژوهشگران در ارائه دادن معنایی از حریم خصوصی چنین مقرر می‌دارند:

«حق حریم خصوصی عبارت است از رهایی از دخالت‌های غیر مجاز و غیر متعارف در فعالیت‌هایی که جامعه آن‌ها را متعلق به حوزه خودمختاری شخص می‌داند و حوزه خودمختاری شخص، عبارت است از حوزه‌ای است که انجام اعمال شخصی محل به آزادی دیگران نیست؛ یعنی جایی که شخص در آن می‌تواند با دوری گزیدن از دیگران مطابق امیال و توقعات خود به حیات خویش شکل بدهد» [۳۴].

برخی اشخاص نیز حریم خصوصی را در معنای «حریم خلوت» بیان کرده‌اند که در زیر به نظریه‌های ارائه شده از طرف آن‌ها پرداخته می‌شود:

کارل هارلو^۱ در کتابی با عنوان «شباهت جرم» در مقام تعریف «حق خلوت» می‌نویسد:

«حق خلوت، حق محرمانه بودن خصوصیات شخص یا مال وی از انظار عمومی است» [۳۵].

واژه «خصوصیات» که در تعریف هارلو به کار رفته است دایره وسیعی از مصادیق از جمله اطلاعات مربوط به خصوصیات شخصی، خانوادگی و مالی، ویژگی‌های شخصیتی، ازدواج، طلاق، محل سکونت، دین، مذهب و حتی اطلاعات راجع به آزمون‌های سلامتی، تست مواد مخدر، آزمون شخصیت، آزمایش ژنتیک و ... را شامل می‌شود. موضوع «حق خلوت» از نظر جفری ریمن^۲، مجموع رفتارهایی است که به صورت پرهیز از تفتیش، بازرسی و پرس و جو درباره مسائلی که به هیچ وجه به کسی مربوط نیست، مثل پرهیز از نگاه کردن به داخل اتاقی که پنجره آن باز است، نمود پیدا می‌کند [۳۶].

1. Carl Harlow
2. Jeffrey Reimen



برخی دیگر نیز حق خلوت اشخاص را متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آنان می‌دانند که مردم در آن بتوانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالاً نكوهش درباره امور شخصی خود رها و آزاد باشند [۳۷].

آلان وستین^۱ در کتاب خود به نام «حریم خصوصی و آزادی»، حق خلوت را یک چارچوب حمایت شده می‌داند که شخص می‌تواند براساس آن خودمختاری خویش را در آن چارچوب اعمال کند [۳۲، ص ۳۶]. در حقیقت ایشان، حق خلوت را به‌عنوان یک «توانایی»^۲ توصیف می‌کند که براساس آن توانایی، شخص دسترسی دیگران به خود را محدود می‌سازد و تعیین می‌کند که چه موقع و چگونه و تا چه حدی اطلاعات و رویدادهای واقع شده در این حیطه به دیگران ربط دارد.

پرنت^۳ دیگر محقق حوزه حریم خصوصی، «حق خلوت» را در بردارنده سه مفهوم می‌داند:

۱. حق خلوت حقی است که به موجب آن یک شخص تنها به حال خود رها می‌شود.

۲. حق خلوت، یک شکل از اعمال خودمختاری یا کنترل نسبت به مسائل مهم شخصی و شخصی است.

۳. حق خلوت حقی است که به موجب آن شخص دسترسی دیگران به خود را محدود می‌کند» [۲۱، ص ۲۶۹-۲۷۰].

وی اطلاعات و رویدادهایی را در حیطه حق خلوت می‌داند که هم شخصی باشند و هم این‌که در محل‌ها و قلمرو عمومی ارائه و آشکار نشده باشند و همچنین این اطلاعات و رویدادها باید عاری از هرگونه تناقض آشکار با مصالح اشخاص دیگر یا جامعه باشند [۲۱، ص ۲۷۱].

آنچه تاکنون بحث شد مربوط به نظریه‌های حقوقدانان غربی در این خصوص بود؛ اما در حوزه حقوق عمومی گذشته ایران و کتب نوشته شده پیرامون آن هیچ‌گاه به طور مستقیم و مستقل اشاره‌ای به مفهوم حریم خصوصی نشده است. بلکه تنها به

1. Alan Westin
2. ability
3. parent

برخی از مصادیق این مفهوم مانند حق امنیت شخصی، مصونیت مسکن، تعرض ناپذیری مکاتبات، منع تجسس و تفتیش در وسایل ارتباطی مردم و منزل و مسکن اشخاص اشاره شده است [۳۸؛ ۳۹].

۳. مفهوم حریم خصوصی در حوزه حقوق عمومی

در حوزه حقوق عمومی کنونی، حقوقدانان به تعاریفی از مفهوم حریم خصوصی اشاره کرده‌اند.

در این حوزه، حریم خصوصی با شناسایی عناصری چون «محرمانه بودن»، «ناشناس بودن» و «تنهایی» به عنوان ارکان حریم خصوصی اینگونه تعریف می‌شود: تعریف اول حریم خصوصی با توجه به دو ضابطه چنین بیان می‌شود: ۱) ضابطه نوعی و عرفی، ۲) ضابطه شخصی [۴۰].

ضابطه نوعی و عرفی: به موجب این ضابطه، برخی جنبه‌های زندگی انسان‌ها به طور نوعی و عرفی حریم خصوصی آن‌ها محسوب می‌شود و لذا ورود به قلمروی از زندگی اشخاص که به طور نوعی حریم خصوصی آن‌ها شناخته می‌شود، نقض حریم خصوصی به حساب می‌آید.

ضابطه شخصی: به موجب این ضابطه، انسان‌ها علاوه بر این‌که از طریق نوعی یا عرفی دارای حریم خصوصی هستند و این قلمرو برای اشخاص بیرون شناخته شده است، می‌توانند برخی از جنبه‌های زندگی خود را که تحت شمول قلمرو خصوصی قرار ندارند داخل در مسائل شخصی و قلمرو و حریم خصوصی خود کنند.

با توجه به این دو ضابطه، حریم خصوصی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص به طور نوعی و عرفی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند» [۴۰، ص ۱۴].

در تعریف دیگر چنین آمده است: «عنصر اساسی حریم خصوصی همانا اختیار و آزادی انسان‌ها در تصمیم‌گیری درخصوص میزان وقوف و مداخله سایرین نسبت به



زندگی شخصی ایشان است. هرکس اصولاً و صرفنظر از استثناهای خاص و قانونی، حق دارد که خود درخصوص این‌که دیگران تا چه میزان درخصوص زندگی شخصی او بدانند و یا در آن وارد شوند تصمیم بگیرد و در صورت عدم تمایل ایشان را منع کند [۴۱].

برخی دیگر نیز ضمن تصریح به این‌که ارائه تعریف از حریم خصوصی کار آسانی نیست، با وسواس زیاد بر نسبیّت مفهوم حریم خصوصی تأکید کرده‌اند و ارائه هرگونه تعریفی از آن را با توجه به فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و نوع رژیم سیاسی حاکم بر کشور ممکن دانسته‌اند [۴۱]. این گروه در جمع‌بندی مطالب، حریم خصوصی را اینگونه تعریف می‌کنند:

«حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی شخص است که به وسیله قانون یا عرف تعیین شده و ارتباطی با عموم ندارد؛ به نحوی که دخالت دیگری در آن ممکن است باعث جریحه دار شدن احساسات شخص یا تحقیر شدن وی نزد دیگران به‌عنوان یک موجود انسانی شود» [۶، ص ۱۲۹-۱۳۰].

از تعاریف ارائه شده توسط نظریه‌پردازان حوزه حریم خصوصی، می‌توان دو گرایش عمده را که در برخورد با حریم خصوصی به چشم می‌خورد، استنباط کرد: الف) برداشت‌های توصیفی از حریم خصوصی؛ به این معنا که آنچه را به‌عنوان مصداق امور خصوصی شناخته می‌شود توصیف می‌کند.

ب) برداشت‌های دستوری از حریم خصوصی؛ یعنی آنچه از ارزش حریم خصوصی و حدود ناشی از آن برای حمایت از آن صحبت می‌کند. پس از بیان و بررسی تعاریف بالا و استنباط و برداشت از آن‌ها می‌توان به گونه جامع و مانع تعریفی از حریم خصوصی ارائه کرد:

«حریم خصوصی موضوعی است که اولاً ریشه در فرهنگ هنجاری کشورها دارد و ثانیاً می‌توان آن را به حریم خلوت حیات انسان تعریف کرد که هر شخص از ورود، اطلاع، مداخله و نظارت بدان اِبا دارد تا در نتیجه آن امنیت روانی‌اش تأمین گردد».

۴. معیار حریم خصوصی

واژه‌های «تفکیک» [۲۵، ص ۲۲۰]، «عرف» و «اراده آزاد» را می‌توان از معیارهای حریم خصوصی محسوب کرد؛ چرا که این سه عبارت به نوعی با هم در ارتباط بوده، یکدیگر را در محدوده حریم خصوصی کامل می‌کنند؛ به این صورت که تفکیک‌پذیری و جدایی‌پذیری در حیطه حریم خصوصی اشخاص را می‌توان از جمله معیارهای حریم خصوصی لحاظ کرد. از سوی دیگر، این تفکیک با اراده و اختیار آزاد اشخاص نیز در ارتباط است؛ به طوری که ویژگی اراده و اختیار در انسان‌ها، امر تفکیک در حیطه حریم خصوصی اشخاص را تغییر می‌دهد، یعنی اراده هرکس تعیین می‌کند که چقدر حدود حریم خصوصی یک شخص از جامعه جدا و منفک باشد. اگر به صورت مفهومی به این امر پرداخته شود، ضابطه عرفی در این بین نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند؛ چرا که عرف در تعیین اراده حاکم بر جامعه مؤثر است. ممکن است این عرف در اراده اشخاص مؤثر واقع شود؛ به عبارت دیگر، اراده افراد یا شخصی است که براساس ضابطه‌های شخصی معین می‌گردد و یا عرفی است که عرف و فرهنگ حاکم در جامعه چنین ضابطه‌ای را برای اشخاص در نظر می‌گیرد.

به بیان دیگر، بیش‌تر عرف و فرهنگ جامعه نشان می‌دهد که چه چیزی به‌عنوان محدوده خصوصی مورد حرمت واقع شده و چه چیزی جزء حدود و ثغور حریم خصوصی محسوب نمی‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که این سه عامل را می‌توان از جمله معیارهای حریم خصوصی در عصر حاضر دانست که تحولی را در حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان ایجاد می‌کند.

آلان وستین در کتاب «حریم خصوصی و آزادی» چنین مقرر کرده است: «از جمله یافته‌های ما از مطالعات موجودات زنده این است که همگی آن‌ها خواستار انزوا و گوشه‌گیری در یک دوره زندگی خود از افراد صمیمی هستند و این نشانگر گرایش اشخاص به سمت استقلال و خودباوری است» [۳۲، ص ۸]. حال در این میان، انزواجویی در یک مدت زمان یا ادعای حریم خصوصی، با توجه به سرزمین، آب و هوا مختلف است؛ ولی در همه آن‌ها یک نکته مشترک وجود دارد و آن این است که تجاوز به این



حریم را هیچ‌کدام از اشخاص و انسان‌ها بر نمی‌تابند و به‌سرعت در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهند.

از جمله معیارهای دیگر حریم خصوصی می‌توان به واژه‌های «دمکراسی و حریم خصوصی» اشاره کرد. واضح و مبرهن است که در تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی، تنها رژیمی که در آن مردم حاکمیت دارند، همین رژیم دمکراسی است؛ به طوری که حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان تنها در این رژیم معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین از جمله این حقوق و آزادی‌ها حریم خصوصی است که همانند دیگر حقوق و آزادی‌ها با دولت یا رژیم سیاسی حاکم بر جامعه در ارتباط است؛ به طوری که هم تنظیم قواعد مربوط به حریم خصوصی بر عهده رژیم سیاسی است و هم تضمین این حقوق [۳۱، ص ۱۱].

البته نمی‌توان این معیار را به طور کامل پذیرفت؛ زیرا حریم خصوصی به‌عنوان یک حق، نسبی تلقی می‌شود نه مطلق؛ بنابراین آنچه از جمله مهم‌ترین اهداف حریم خصوصی لحاظ می‌گردد و در مطالعات تجربی از عادات و رسوم زندگی مردم حاصل می‌شود، این را اثبات می‌کند که فقدان حریم خصوصی در یک جامعه، بقای آن جامعه را تهدید می‌کند. در چنین صورتی ممکن است جمعیت جامعه کاهش یابد؛ چرا که هیچ حریم و محدوده‌ای برای اشخاص شناسایی نشده است.

با مسلم دانستن این موضوع که فقدان حریم خصوصی در یک جامعه بقای آن را تهدید می‌کند، آنگاه سؤال ایجاد می‌شود که آیا حریم خصوصی به‌عنوان یک حق ذاتی بشر در جوامع مطرح است یا نه؟ و این‌که فرض فقدان حریم خصوصی در واقع به معنای نبود مطلق این حق است یا این‌که معنا و مفهوم دیگری دارد؟

۵. فرض فقدان حریم خصوصی در جوامع امروزی

در بسیاری از کشورهای جهان، برای مثال در کشور سوئد و همچنین در کشور ژاپن [۴۳]، عبارت خاصی که به معنای «privacy» به زبان انگلیسی باشد وجود ندارد، بلکه در کشور سوئد کلمه «privacy» با عبارات «کرامت شخصی» یا «حیثیت شخصی»^۱ جایگزین

1. personal integrity

شده است. همچنین در ژاپن یکی از واژه‌هایی که جایگزین عبارت انگلیسی حریم خصوصی شده است عبارت «secret» است؛ بنابراین می‌توان گفت که در هیچ کدام از این کشورها عبارتی که به معنای حریم خصوصی انگلیسی باشد وجود ندارد. حتی زبان عرفی و سنتی ژاپن نیز دربرگیرنده چنین موضوعی نیست [۴۴].

در این جوامع نمی‌توان گفت که حریم خصوصی وجود ندارد؛ چرا که معانی هم‌خانواده حریم خصوصی با توجه به فرهنگ این کشورها به کار می‌رود. حال سخن در این‌جا در رابطه با فقدان حریم خصوصی در جوامع است که ضرورت دارد پیرامون آثار آن بحث و بررسی شود.

بنابراین باید گفت در جوامعی که با فقدان حریم خصوصی مواجه هستند، منظور این است که با فقدان حریم خصوصی مدوّن و قانونی شده مواجهند. پس این به معنای فقدان مطلق حریم خصوصی نیست، بلکه در چنین مواقعی «حریم خصوصی هنجاری» به وجود می‌آید. برای مثال، محافظت مردم از مورد تجاوز واقع شدن در برابر دیگران، هرچند ممکن است از لحاظ قانونی مورد حمایت واقع نشده باشد، ولی از منظر هنجاری این حق مصون از تجاوز دیگران مانده است؛ بنابراین در کشوری مثل ژاپن که حریم خصوصی گمنام مانده است به معنای نبود حریم خصوصی نیست؛ چرا که عرف‌هایی وجود دارد که به صورت یک هنجار در جامعه ژاپن یا دیگر جوامع این‌چنینی نهادینه شده است.

۵-۱. رویکرد عرفی

با توجه به این‌که عرف از جمله منابع حقوق به شمار می‌رود می‌توان گفت که در صورت نبود قوانین مدوّن و مصوب باید به سراغ عرف رفت که به‌مانند قانون باید‌ها و نبایدها، یعنی هنجارهایی را بیان می‌دارد که در جامعه نهادینه شده‌اند.

عرف را می‌توان از دو منظر تقسیم‌بندی کرد:

عرف در معنای لغوی:

عُرفدر لغت به معنای شناسایی است [۴۵]. عرف روش خاصی است که اشخاص در مسأله معینی از آن پیروی می‌کنند؛ بدون آن که در قانون زکری از آن رفته باشد. عرف



قانون نانوشته است. برای نمونه شیوه درود گفتن یا دست دادن که در جوامع گوناگون تفاوت‌هایی دارد، بر پایه عرف تعیین می‌شود. به سخن دیگر، عرف عادت‌ها و رسومی است که عقلای جامعه آن را به طور کلی پذیرفته‌اند و آن را روا می‌دارند. یا به تعریف دیگر، عرف به مجموعه‌ای از توافقات و یا معیارها و هنجارها گفته می‌شود که از سوی عموم پذیرفته شده باشد.

بر پایه یک تعریف، مواردی شامل عرف می‌شود که:

یک: شخص خاصی برای ایجاد آن تلاش نکرده، بلکه جامعه آن را به دست آورده‌است.

دو: جستجو برای شناسایی آن ضرورت ندارد، بلکه خود آشکار و هویدا است.

سه: هریک از مردم به آسانی آن را می‌شناسد و نیازی به توضیح ندارد.

آنچه را بر پایه عرف پذیرفته شده باشد «عرفی یا قراردادی» می‌نامند و آنچه را برای

مدتی و به‌طور موقت به صورت یک عرف درآید «باب» یا «مد روز» نیز می‌نامند.

به‌طور کلی فرق عرف با قانون در این است که اولاً واضح عرف اجتماع است و در واقع آن را واضح معین و مشخصی نیست. ثانیاً مانند قانون، مدون نیست. هرچند در قانون به طور آشکار و ویژه از عرف ذکری به‌میان نمی‌آید، اما به نحوی مورد حمایت و ملاک عمل قرار داده شده، ضمانت اجرایی برای آن تعیین می‌شود. اساس بیش‌تر قوانین، عرف است و به‌ویژه بخش اعظم قوانین آنگلو ساکسون را عرف تشکیل می‌دهد. علمای حقوق به‌طور معمول عرف را در کنار قانون، رویه قضایی دکتترین حقوقی یکی از منابع حقوق محسوب می‌کنند [۴۶]. با این حال در نظام‌های پیشرفته حقوق داخلی معمولاً از استناد به عرف خودداری شده، آن را عنصری مزاحم و به نسبت بی‌اهمیت می‌شمارند، اما در عرصه بین‌المللی حداقل تاکنون، عرف یک منبع پویا بوده و نقش برجسته‌ای در تدوین و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل ایفا کرده‌است [۴۷].

عرف در معنای اصطلاحی: به نظر می‌رسد می‌توان عرف را در اصطلاح چنین معنا کرد: «مجموعه حالات و رفتارهای اجتماعی مردم یک جامعه که به صورت امری نهادین درآمده است». با آوردن عبارت «امری نهادین» می‌توان عرف را تضمین کرد؛ به طوری

که هرکس برخلاف عرف و عادت عملی را مرتکب شود از طرف عموم بازخواست می‌شود.

بنابراین اولاً در اثر متفاوت بودن فرهنگ‌ها، عرف‌های نهادینه شده مختلفی در دنیا ایجاد می‌گردد. ثانیاً این عرف‌ها از لحاظ مقتضیات زمانی با همدیگر فرق دارند. پس می‌توان گفت که با توجه به پیشرفت و مدرنیته شدن زمان فعلی این انتظار می‌رود که هنجارها و عرف‌های یک جامعه نیز پایه‌پای مدرنیته در حال به‌روز شدن باشند. پس نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود این است که اگر در جایی حریم خصوصی به‌عنوان یک حق شناخته شده اشخاص نادیده گرفته شود، عامل جبران‌کننده‌ای وجود دارد که با توجه به فرهنگ‌های حاکم در اجتماعات و جوامع مختلف حق را شناسایی و به حمایت از این نوع حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص می‌پردازد؛ خلاصه این‌که به این مورد از حمایت در اصطلاح حقوق «حریم خصوصی عرفی یا هنجاری» گفته می‌شود.

۲-۵. رویکرد فرهنگی

حریم خصوصی پدیده‌ای فرهنگی است که شکل و محتوای آن به عرف و رویه‌های اجتماعی وابسته است [۴۸]. در عصر کنونی، انسان موجودی است که نمی‌تواند به صورت جدا و مجرد از اجتماع و جامعه زندگی کند؛ بنابراین، برای رفع نیازهای خود نیازمند حضور در اجتماع و جامعه است؛ به طوری که امروزه انسان نیازمند همراهی است و عقل حکم می‌کند که برای رفع نیازهای خود از جمله غذا و پناهگاه با دیگر اشخاص جامعه در ارتباط باشد [۲۵، ص ۲۲۱].

با توجه به متفاوت بودن جوامع، فرهنگ‌های حاکم بر آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود؛ چرا که نسبت به نهادینه‌سازی یک عرف در جوامع عوامل آب و هوا، سرزمین، خاک، نژاد، مذهب و ... تأثیر بسزایی دارند. ولی با وجود اختلاف فرهنگی می‌توان مرزهای مشترکی از میان آن‌ها استخراج کرد. برای مثال، حقوق و آزادی‌های شهروندی را می‌توان به‌عنوان یک عامل مشترک در بین همه جوامع لحاظ کرد که از جمله این حقوق حریم خصوصی اشخاص است که به‌عنوان یک حق شخصی شناخته شده است [۴۹]؛ به این صورت که ممکن است عرف حاکم در یک منطقه‌ای از جهان به یک شکلی باشد.



به‌عنوان مثال در برخی مناطق محوطه خانه‌ها براساس حصار از هم جدا می‌شود؛ بنابراین، حریم خصوصی آنچه داخل حصار است را شامل می‌شود؛ در صورتی که در برخی جاها به جای حصار از دیوار استفاده می‌کنند [۳۲، ص ۱۶].

همانطور که تعیین حدود برای حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص یک حد مشترک محسوب می‌شود، برای عرف حاکم در فرهنگ‌های جوامع مختلف نیز حد مشترکی محسوب می‌شود. برای مثال، ملاقات کردن شخصی در نیمه‌های شب امری پسندیده و خوب تلقی نمی‌شود و این مورد پذیرش اکثر فرهنگ‌ها است. حال می‌توان از طریق مطالعه فرهنگ‌های مختلف موجود در جوامع دیگر به مجموعه‌ای از امور مشترک دست یافت تا از این طریق شناسایی برخی حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص راحت‌تر باشد [۵۰].

بنابراین، حریم خصوصی می‌تواند از لحاظ فرهنگی یک ضرورت جهانی برای اشخاص به حساب آید؛ چرا که شکل حریم خصوصی -قواعد مشترک و غیر مشترک- به فرهنگ‌ها وابسته است [۲۵، ص ۲۲۳].

۶. نتیجه گیری

در زمینه مفهوم حریم خصوصی تعاریف و معانی گوناگونی مطرح شده است. آنچه به‌عنوان قدر متیقن تمامی تعاریف و مفاهیم بر می‌آید، یکی دانستن «حریم خصوصی» با مفهوم «حق کنترل اشخاص» است. «حق کنترل» به معنای این است که شخص کنترل و احاطه نسبت به حوزه خودمختاری خویش دارد و هر زمان تمایل داشته باشد می‌تواند آن را به شخص دیگری اعطا کند؛ بنابراین حریم خصوصی به معنای حق کنترل شخص نسبت به حریم شخصی و پنهانی خویش است.

با وجود این می‌توان گفت که حریم خصوصی یک حق اختیاری است؛ به این صورت که شخص در استفاده و یا عدم استفاده از آن مختار است. اگر شخص از این حق خویش آزادانه استفاده نکند و آنچه را در حیطه حریم خصوصی وی قرار داشته برای شخص دیگری مطرح سازد باز حریم خصوصی محسوب می‌شود؛ چراکه حریم خصوصی به

دو گونه متصور است: نخست این‌که هر شخصی حریم خصوصی مختص به خویش را دارد که از آن در مقابل تمامی اشخاص محافظت می‌کند و به این حق، «حق حریم خصوصی مختص» گفته می‌شود؛ اما در مقابل، برخی اشخاص از حریم خصوصی مشترک با دیگر افراد برخوردار هستند و همه آن‌ها از این حق بهره‌مند می‌شوند و به اصطلاح به این حق، «حق حریم خصوصی مشترک» گفته می‌شود. به‌عنوان مثال، زوجین هر یک حریم خصوصی مختص به خویش را دارد که جدا از حریم خصوصی هر یک از آن‌ها قابل تصور و احترام است؛ اما در کنار این حق، حق حریم خصوصی مشترک زوجین نیز به چشم می‌خورد که در نتیجه ازدواج برای آن دو شکل می‌گیرد و هر دو حق را در رابطه خویش به رسمیت می‌شناسند. پس در این فرض نه‌تنها حریم خصوصی نقض نگردیده، بلکه به تناسب محیط آن نیز توسعه یافته است. پس چون حریم خصوصی حق است، شخص در استفاده از آن آزاد است.

حال در زمینه معیارهای حریم خصوصی می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

معیار اول: «تفکیک»؛ به معنای تفکیک و تعیین مرزبندی حریم خصوصی از عمومی. معیار دوم: «عرف»؛ به این معنا که عرف در تشخیص حریم خصوصی و عمومی مردم دخیل است. لذا ممکن است موضوعی معین، در یک جامعه به‌عنوان یک امر مهم جزء حریم خصوصی اشخاص تلقی شود، اما در جامعه دیگر همان موضوع معین جزء حریم خصوصی محسوب نگردد.

معیار سوم: «اراده اشخاص»؛ به این معنا که اشخاص در تعیین حریم و محدوده حریم خصوصی خویش مختارند.

معیار چهارم: «دمکراسی». دمکراسی نظامی است که در آن حقوق اشخاص شناسایی و تضمینات لازم به وسیله قوه حاکمه در نظر گرفته شده است.

اما با وجود اختلافاتی که در مصادیق و موضوعات حریم خصوصی وجود دارد، در تمامی جوامع یک امر مشترک و قدر متیقن وجود دارد و آن این است که هیچ شخصی در برابر تجاوزات نسبت به حریم خصوصی شخصی خود ساکت ننشسته، به طور مسلم در برابر چنین کنشی از خود واکنش نشان می‌دهد.



با وجود این، می‌توان به طور کلی این نکته را بیان کرد که هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که در آن حق حریم خصوصی به رسمیت شناخته نشده باشد و اگر در کشوری، این حق از نگاه قانونگذار آن کشور مخفی مانده، اما از نگاه عرف و مردم آن همیشه امری حائز اهمیت بوده است. کشورهای ژاپن و سوئد نمونه بارز اینگونه نگرش هستند. در چنین جوامعی فقدان مقررات مدون در زمینه حریم خصوصی به چشم می‌خورد. در مقابل، فرهنگ و عرف آن جوامع به‌عنوان یکی از منابع حقوق، این امر را جبران کرده است. از این امر می‌توان به‌عنوان «حریم خصوصی عرفی یا هنجاری» یاد کرد. می‌توان گفت: حریم خصوصی مفهومی سیال است که با توجه به متفاوت بودن فرهنگ جوامع، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این ویژگی، پیچیده بودن و مختلف بودن مفهوم حریم خصوصی را می‌رساند؛ بنابراین ریشه اختلاف در مفهوم حریم خصوصی به فرهنگ و عرف جوامع بر می‌گردد و به آن بستگی دارد. با وجود اختلاف‌ها در خصوص مصادیق حریم خصوصی، در مقابل، در زمینه معیار و ملاک‌های مؤثر در حریم خصوصی هیچ اختلافی وجود ندارد؛ به این معنا که عبارات «تفکیک»، «عرف»، «اراده» و «دمکراسی» مفاهیمی کلی هستند که بیانگر وجود حریم خصوصی در جوامعند و از حریم خصوصی به‌عنوان یکی از فرا اصول‌های حقوق بشر حمایت می‌کنند؛ هرچند که در مصادیق ممکن است تفاوت‌هایی به چشم بخورد.

۷. منابع

- [۱] بدار، لوک و دزیل، ژوزه و لامارش، لوک، *روانشناسی اجتماعی*، مترجم: حمزه گنجی، چ ۱، تهران، نشر ساوالان، ۱۳۸۳.
- [2] Fenwick, Helen, *Civil Liberties and Human Rights*, (4 th Edith), London, Routledge- Cavendish- Taylor & Francis Group, 2007.
- [3] Wang, H., *Protecting Privacy in China*, London, Springer, 2011.
- [4] Ramsay, H., "Privacies and Basic Needs", *The Heythrop Journal*, University of Notre Dame, Sydney, Australia, Vol 51, No 2, 2010.
- [5] Lindsay, "An Exploration of The Conceptual Basis of Privacy and The

Implications for The Future of Australian Privacy Law”, *Melbourne University Law*, 2001.

[۶] رحمدل، مذكور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۴.

[۷] انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۶، ۱۳۸۳.

[۸] -----، «اصول حاکم بر حریم خصوصی اطلاعات»، *ماهنامه حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، شماره ۳، دی ماه ۱۳۸۱.

[9] Warren, S. & Brandeis, L., *The Right to Privacy*, Vol IV, No 5, Law University of Harvard, 1890.

[10] Robert Ellis Smith, Ben Franklin’s Web Site 6 (Sheridan Books 2000).

[۱۱] نمک دوست تهرانی، حسن، «اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات»، *نشریه رسانه*، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵.

[۱۲] نخجوانی، رضا و نوری، محمد علی، *حقوق حمایت داده‌ها*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.

[13] Privacy as an Aspect of Human Dignity, *39 New York University Law*, 1964.

[14] Standler, R. B., *Privacy law in USA*, p. 9; available: <http://www.rb2.com/z/6/2004>.

[15] Pound, R., *Internet in personality*, (Vol 28), Harvard Law Review, 1915.

[16] Freund, P. A., *Privacy: one concept or many?*, Privacy (Nomos, Vol 13), ed: Pennock, J. R. and Champan, J. W., Atherton Press, 1971.

[17] Henkin, L., *Privacy and Autonomy*, Colombia Law Review, 1974.

[18] Feinberg, J., *Autonomy, Sovereignty and Privacy: Moral Ideas in the Constitution*, (Vol 58), Notre Dame Law Review, 1983.

[19] Ortiz, D. R., “Privacy, Autonomy and Consent”, *Harvard Journal of Law and Public Policy*, Vol 12, 1989.

[20] Tristram, H., “Privacy and Limited Democracy”, *Social Philosophy and Policy*, Vol 17, 2000.

[21] Parent, W. A., *Privacy, Morality and the Law*, (Vol 12), (No 4), Princeton

University Press, Autumn 1983.

[۲۲] جوادی آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، تهران، نشر اسراء، ۱۳۸۹.

[23] Mccarthy, Anna Lennasvensson, *The International Law of Human Rights and states of Exception*, The Hague/London, MartinusNijhoff publishers, 1998.

[۲۴] کوچ نژاد، عباس، «محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳.

[25] Moore, A. D., "Privacy: Its meaning and value", *American Philosophical Quarterly*, Vol 40, No 3, 2003.

[26] Fried, Ch., *An Anatomy of Values*, Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1970.

[27] Wasserstrom, R., *Privacy some Assumptions and Argument*, Philosophical Law, edited by: Bronaugh, R., Westport, Conn: Greenwood Press, 1979.

[28] Gross, H., "Privacy and Autonomy", *Privacy Nomos*, Vol 13, 1979.

[29] Van Den Haag, E., "On Privacy", *Privacy Nomos*, Vol 13, 1979.

[30] Parker, R., "A Definition of Privacy", *Rutgers Law Review*, Vol 27, 1974.

[31] Leenes, R & Jaap Koops, B., "Code and Privacy or how Technology is slowly Eroding Privacy", Amsterdam- Netherland, Tilburg University, 2004.

[32] Westin, A., "Privacy and Freedom", New York, Atheneum, 1979.

[33] Gavison, Ruth, "Privacy and the Limits of Law", *The Yale Law Journal*, Vol 89, No 3, January 1980.

[34] Joseph, S. & Schuitz, J. and Casten M., *The International Convention on civil and political Rights*, Oxford University Press, 2000.

[۳۵] هارلو، کارل، *شبه جرم*، مترجم: کامبیز نوروزی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.

[36] Reiman, J., *privacy intimacy and personhood*, Princeton University Press, Vol 6, No 1, Autumn 1976.

[۳۷] نیس بام، هلن، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر ارتباطات»، مترجم: عباس ایمانی، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۲، ۱۳۸۱.

- [۳۸] قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، کلیات و مبانی*، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- [۳۹] مدنی، جلال الدین، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، ج ۱۰، تهران، نشر همراه، ۱۳۷۰.
- [۴۰] انصاری، باقر، *حقوق حریم خصوصی*، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- [۴۱] اصلانی، حمیدرضا، *حقوق فناوری اطلاعات*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- [۴۲] قطب، محمد، *انسان، مادیگری و اسلام*، مترجم: سید هادی خسرو شاهی، تهران، کلبه شروق، ۱۳۷۹.
- [43] Adams, A. A. & Murata, K. & Orito, Y., *The Japanese sense of information privacy*, London, Springer- Velag, 2009.
- [44] Horniak, V., *Privacy of communication- Ethics and Technology*, Malardalen University Sweden, Master Thesis in Computer Engineering, 2004.
- [۴۵] شب خیز، محمد رضا، *اصول فقه دانشگاهی*، چ ۱، قم، نشر لقاء، ۱۳۹۲.
- [۴۶] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مقدمه عمومی علم حقوق*، چ ۵، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- [۴۷] والاس، ربکا، *حقوق بین‌الملل*، مترجمان: قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲.
- [48] Aries, P. & Duby, G., *A history of Private Life*, Cambridge, Mass: Belknap Press, 5 Volumes, 1987-91.
- [49] Robert, John & Gregor, Th., *Privacy: A Cultural View*, Privacy (Nomos, Vol 13).
- [50] Murdock, G., "The Universals of Culture", in readings in world Anthropology, edited by: E. A. Hoebel, J. D. Jennings & E. R. Smith, New York: Mc Graw- Hill, 1955.